

مشکلات تولید در ایران و واردات بی رویه خارجی

حسن داودزاده

دانش‌آموخته‌ی دانشگاه تهران - بازنشسته‌ی آموزش و پرورش

□ ۱- پارچه و فاستونی

با توجه به جمعیت حدود ۷۲ میلیونی زن و مرد و کودک و نوجوان، جوان و... چادری و مانتوپوش و مشکی‌پوش و خانم‌هایی که در سال بیش از یک چادر می‌خرند. به هر روی کشور ما در هر سال نیاز به حدود ۶۰/۰۰۰/۰۰۰ متر پارچه چادری مشکی دارد که در سال‌های خیلی پیش، مقدار کمی از این پارچه در داخل کشور تولید می‌شد که به خاطر نداشتن کیفیت بالا، از نظر رنگ و جنس و ظرافت (از روی سر سر نخوردن) از یک سوی و ورود اجناس خارجی که از نظر کیفیت بالاتر بودند از سوی دیگر، کم‌کم تولید آن متوقف و یا کم‌شد و چند سال پیش هم قرار بود چند کارخانه برای تولید این نوع پارچه ساخته شود که در آخر سال ۱۳۸۵ این طرح هم به فراموشی سپرده شد. حالا نمی‌دانیم تقصیر با کیست (وام ندادند یا دادند و نساختند) زیرا واردکنندگان کالا، مجال اندیشه و تأمل در کار تجارت و رقابت را به تولیدکننده نمی‌دهند و این نوع پارچه (چادری مشکی ساده و گلدار) ساده آن حداکثر از متری ۱۵۰۰ تا ۲۰۰۰ تومان و گلدار آن از متری ۵۰۰۰ تا ۶۰۰۰ تومان وارد کشور می‌شود و به متری از ۲۵۰۰ تا ۵۰۰۰ و گلدار آن تا متری ۱۰۰۰۰ تومان به دست مصرف‌کننده می‌رسد که به ترتیب عبارتند از کشورهای ۱- کره جنوبی ۲- ژاپن ۳- اندونزی (گاهی به نام کره ای) ۴- چین. البته جای تولید داخلی خودمان هم خالی است! و یک قواره چادری هم حداقل ۴/۵ متر است و کشور کره سهم ۵۷ درصد درصدی را در کشور ما از آن خود کرده است.

بنابراین می‌توان تصور کرد که واردکننده چه سود سرشاری می‌برد و پول کمی نیست که بتوان از آن به سود وطن و مردم آن گذشت کرد؟!

فاستونی (پارچه کت و شلواری و کت و دامنی) هم تولید ایرانی آن که کارخانه‌های: جامه، مرینوس، مقدم و... تولید می‌کنند، از متری ۵۰۰۰ تومان تا ۷۰۰۰ تومان عرضه می‌شود که فقط تولیدی تک‌دوزی‌ها از آن استفاده می‌کنند. فاستونی خارجی هم که از کشور چین، تایوان، ترکیه و... وارد می‌شود و مورد استفاده‌ی تولیدکنندگان عمده قرار می‌گیرد از یاردی ۳۵۰۰ تا ۵۰۰۰ تومان است. حالا چه کسی به تولید داخلی روی می‌آورد. مگر خدای ناکرده (مخش عیب داشته باشد؟! بگذریم که در نزدیک میدان گل‌ها، یک تولیدکننده هم اکنون بالتویی به نمایش گذاشته که بهای آن ۶۵۰۰۰۰ تومان و یک شال گردن هم به آن آویخته به بهای ۷۰۰۰۰ تومان. فروشنده می‌گوید: پارچه‌اش سوئیسی است و یک راست از سوئیس وارد می‌شود «قابل توجه شیک‌پوشان محترم»!

روزی یکی از دوستان ادبی در انجمن دوستداران حافظ که همه هفته بعدازظهرهای چهارشنبه در دفتر مجله برگزار می‌شود، شعری طنز درباره‌ی جانمازی و تسبیح و سجاده‌ی ساخت چین خواندند و سخن گفتند. این گفته‌ها، بنده‌ی ناآگاه از علم اقتصاد را بر آن داشت تا این گزارش نه چندان با دلیل (مستدل) و قاطع، ولی تا حدودی قابل توجه را در مورد واردات کالا، از کشورهای دیگر بویژه چین برای شاعران، استادان و نکته‌بینان حاضر در جلسه، بویژه پروفیسور امین استاد عالی‌قدر و ارجمند، تهیه کنم. گرچه می‌دانم «هر سخن جایی و هر نکته مقامی دارد» به هر روی مرا خواهید بخشید.

امروز اگر سری «آن هم سرسری» به بازار، منظوم محل عرضه و فروش کالا، از هرگونه: لوازم و ابزارهای برقی، غیربرقی، مکانیکی، الکترونیکی و رایانه‌یی، وسایل یدکی اتومبیل، ساختمانی، بیمارستانی، دارویی، آرایشی، شیمیایی، خوراکی و خلاصه هرچیزی که هر انسان زنده‌یی به فراخور حال خود نیازمند آن است، بنزید. چنین دستگیرتان می‌شود:

۲- به ابزارفروشی‌ها سر می‌زنیم

از آچار، پیچ‌گوشتی (که این نام به غلط بر آن نهاده و جا افتاده است) و انبردست گرفته تا دلر، اره برقی، فرز حتی پیچ و مهره، وسایل باغبانی، کشاورزی و مکانیکی و... که کالا مارک‌های معروف را در پشت جعبه دارد ولی ساخت کشور چین است و ارزان و گاهی یک‌بار مصرف، البته از نوع آلمانی و ژاپنی و گاهی آمریکایی آن هم وجود دارد که بسیار گران است و محصولات «ابزار مهدی»، «ایران پتک» و دیگر کارخانه‌های خودمان هم، بنده‌ی خداها باز در این آشفته بازار بی‌وقفه تلاش می‌کنند، و تولیدات آنها نسبتاً خوب است و از کیفیت بالایی برخوردار است، البته با این همه کالاهای ارزانی که وارد بازار شده است، بدون شک در آینده با مشکل مواجه خواهند شد و نیاز به حمایت همه‌جانبه‌ی دارند.

۳- سری به وسایل یدکی اتومبیل‌فروشی‌ها می‌زنیم

صدها نوع وسیله وجود دارد از هندی، چینی، ژاپنی و... که چینی‌ها عیناً از کشور ژاپن، فرانسه و انگلیس کپی کرده اند که با قیمت‌های مختلف و مارک‌های معروف و غیرمعروف و گاهی بی‌مارک و نشان، فروشندگان این نوع کالاها هم خود گیج شده‌اند و اصلی را از نوع چینی آن به سختی تشخیص می‌دهند. به‌طور مثال یک عدد ترموستات ژاپنی اصلی، بهای آن ۱۶۰۰۰ تومان است (به بهای اولین پیکان تولید سال ۱۳۶۴) که نوع چینی آن از ۴۰۰۰ تا ۶۰۰۰ تومان است و واشر سرسیلندر، لنت ترمز، لاستیک و سوپاپ و... که خدا می‌داند تعمیرکاران را به چه مشکلاتی روبه‌رو کرده (البته از این رهگذر عده‌ی هم بدشان نمی‌آید) و صاحبان اتومبیل را به چه درسرهایی! یعنی کم‌تر روزی است که صاحبان اتومبیل با تعمیرکاران درگیری پیدا نکنند!

۴- سری به اسباب‌بازی‌فروشی‌ها می‌زنیم

تمام اسباب‌بازی‌های یک اسباب‌بازی فروش که من از آن بازدید کردم، فروشنده گفت: همه‌اش چینی است و از عروسک‌های «سارا و دارا» هم خبری نیست، گویا با هم ازدواج کرده و به دیار دیگری سفر کرده‌اند. اکنون جای‌شان را به عروسک‌های «باربی» نیمه‌برهنه با اندام‌های مناسب و موزون، کمر باریک به گفته‌ی: سیمین بر و مَه پیکر و با جامه‌دانی پر از چند جور لباس که تمام آن‌ها در یک بسته به شکل زیبایی، دل بچه‌ها را که هیچ، دل پدر

و مادر بچه‌ها را هم می‌برد! به هر روی عروسک‌ها دلبری می‌کنند و این را چینی‌ها می‌دانند و به همین روی، عروسک‌ها را با زلف‌های رنگارنگ و شکن‌شکن و چشمانی آبی و سبز آراسته‌اند تا دلبری کنند:

اگر زلفت به هر تاری اسیر تازه‌یی دارد

مبارک باشد اما دلبری اندازه‌ی بی دارد

(مجنوب علی‌شاه)

۵- سری به مبیل‌فروشی‌ها می‌زنیم

نیمی از میل و کاناپه و آینه و تخت‌خواب و میزتوال و... نمایشگاه‌های ما را البته در خیابان ولیعصر بالای پارک ساعی، ساخت کشور خودمان که بسیار خوب و مدرن‌تر است (بوژه مبیل‌های استیل نیمه استیل) و نیم دیگر را میلان ساخت کشورهای ترکیه و چین پر کرده است. البته در بازار میل یافت‌آباد کار چین و ترکیه بیش‌تر به چشم می‌خورد و اگر این وضع ادامه پیدا کند، کارگاه‌های مبیل‌سازی را به تعطیلی می‌کشاند.

۶- مواد شیمیایی: در این جا فقط به یک نمونه بسنده می‌کنم: (امیدوارم مشت نمونه خروار نباشد) چند سال پیش کارخانه‌ی بی‌دست متخصصان کشورمان با سرمایه‌گذاری زیاد و تهیه وسایل و تجهیزات و آزمایشگاهی بسیار مجهز و با زمینی وسیع و حدود ۱۰۰۰ متر سالن به نام شرکت رنگینه‌سازان ساخته شد که تولیدش پیگمنت (رنگ‌دانه) ماده اصلی تولید رنگ‌های صنعتی بود، کارخانه ۲۵ نفر کارگر داشت و به تولید مشغول بود. چهار یا پنج سال پیش، یکباره این محصول از کشور چین وارد بازار شد و با بهایی پایین‌تر از بهای تولیدات این کارخانه به بازار عرضه شد. در نتیجه کارخانه‌ی یاد شده (مذکور) نتوانست با رقیب چینی خود رقابت نماید و سرانجام با کلی بدهی، تعطیل، کارگران بیکار و ماشین‌آلات آن در حال پوسیدگی است.

۷- مواد آرایشی وارداتی از چین بیش‌تر غیراستاندارد و غیر بهداشتی است که بیشتر به صورت قاچاق وارد کشور می‌شود. برخی از آن‌ها مانند کرم پوست، ریمل و رژ لب و دیگر مواد آرایشی، با کیفیت بسیار پایین که برخی از آن‌ها چه زیان‌هایی به پوست و چشم و لب مصرف‌کنندگان می‌زند که جبران‌ناپذیر است!! البته واردکنندگان به دنبال سود خود هستند و در بند میهن و مردم و سلامت آنان نیستند.

روزی در رادیوی خودمان گفت‌وگوی تولیدکنندگان را با

کارشناسان شنیدیم که می‌گفتند: برای کمک به تولید داخلی، باید مرزها را محکم بست و می‌گفتند معمولاً باید همه‌ی اسکله‌ها و بنادر و مرزهای آبی و خاکی در اختیار گمرک باشد و دولت بر آن‌ها نظارت داشته باشد ولی هستند ورودی‌هایی که دولت متاسفانه بر آن‌ها نظارت ندارد و به قولی «از هفت دولت آزادند»، بنابراین هر چه بخواهند وارد و صادر می‌کنند و مشکلی در این زمینه برای سودجویان و زراندوزان و دلالان سوداگر و از خدا بی‌خبر وجود ندارد.

این دلالان پول پرست شاید چنین اندیشه‌یی در سر داشته باشند که سرانجام یک میلیارد و دویست و بیست میلیون نفر چینی که نمی‌شود بیکار باشند و ما با کار، حالا گیریم ما تعداد زیادی بیکار داشته باشیم، آن‌ها که بیکار نیستند «پهلوی دایی‌شان کار می‌کنند!» اصلاً تو چه کاره، هستی که از اقتصاد و بازار و تولیدات داخلی حرف می‌زنی به قول کمال‌الدین اصفهانی: «از توجز درد دل و خون جگر حاصل نیست / چه کنم جان که جز این، هیچ دگر حاصل نیست.»

سرانجام در دستران نهم در ذهنم این پرسش شکل می‌گیرد که راستی این زراندوزان و دلالان که به وطن خود پشت کرده‌اند! در روز قیامت از کرده‌ی خود چه نامه‌ی اعمالی در دست دارند؟ شاد یا غمگین‌اند؟

به قول فاطمه عربشاهی:

رویم سیه و نامه سیه سر در پیش

هستم خجل از فعل بد و غفلت خویش

نتیجه

چرا چینی‌ها با نداشتن و یا کمبود منابع انرژی و ... در تولید و صادرات بر کشورهای دیگر پیشی گرفته‌اند؟

۱- کشور چین در امور اقتصادی از نظر کارشناسان زبده و متخصص استفاده می‌کنند و شب و روز برای این کار برنامه‌ریزی می‌کنند.

۲- کشور چین فرصت‌ها را از دست نمی‌دهند و برای صادرات خود از کوچک‌ترین فرصتی هر چند اندک باشد، استفاده می‌کنند، «در دل یار به هر حيله رهی باید کرد.»

۳- کشور چین از سال ۱۹۹۱ تاکنون نرخ پول خود (یوان)، را در مقابل دلار آمریکا پایین نگه داشته برای رقابت صادرات با سایر کشورها.

۴- در کشور چین به علت این که دستمزدها پایین است، اجناس تولیدی ارزان تهیه می‌شود و هر کسی حتی در خانه‌اش هم یک کار تولیدی به فراخور حالش دارد.

۵- صادرات عمده کشور چین، نخست به ایالات متحده آمریکا، اتحادیه اروپا، برزیل، آرژانتین و کم‌ترین آن استرالیا است.

۶- دولت چین به صورت عمده از طرف سایر شرکت‌ها قرارداد منعقد می‌کند و محصولات آن‌ها را در کشور خود تولید می‌کند (با برچسب ویژه آنان)

۷- کشور چین به علت قراردادهای تهاثری با کشور ما در مقابل خرید نفت پول به کشور ما نمی‌پردازد بنابراین جنس صادر می‌کند به جای پول.

۸- جالب این که چین، در دو سال گذشته با توجه به رکود اقتصادی دنیا، حدود ۸۱ درصد افزایش صادرات داشته و از کشور آلمان پیشی گرفته و با کشور آمریکا تقریباً در یک سطح قرار گرفته است.

۹- دولت چین از تولیدکنندگان خود به راستی حمایت می‌کند و گاهی برای این که بتواند محصول یک تولیدی را با بهای تمام شده کم‌تر و قابل رقابت درآورد، آن تولیدی را از پرداخت مالیات معاف و حتی محصولات آن را به صورت رایگان به کشور مقصد حمل می‌کند تا رقیب را از میدان به در کند.

۱۰- کشور چین در سال گذشته میلادی ۲۰۰۹ بزرگ‌ترین تولیدکننده جهان لقب گرفت.

۱۱- اکنون صادرات کشور چین به کشور ما و نظایر ما روز به روز بیش‌تر می‌شود.

۱۲- متاسفانه اجناس معیوب و غیراستاندارد تولیدی خود را که کشورهای دیگر هرگز نمی‌پذیرند، با مساعدت از خدا بی‌خبرانی که پیش از این گفته شد به کشور ما وارد می‌کند.

سخن پایانی

امید است به یاری خداوند مشکلاتی که بر سر راه تولیدکنندگان گرامی ما وجود دارد، برداشته شود و به نظر بنده کسی یا کسانی که در این کشور جنسی یا اجناسی تولید می‌کنند و سفره‌یی را پهن کرده و چندین نفر کارگر و کارمند هموطن از آن سفره نان می‌خورند، ایرانی و وطن‌دوست‌اند و قابل تحسین و احترام. ما از دور دست‌شان را می‌فشاریم و روی‌شان را می‌بوسیم. ■